

لابقین وصلت زین کام تو آرزوستی تو عاشق کلام
خوشش عشاق من اما نسبت مرتبه که تالی او است
رخیع و عالی است آن محبت حق است بجان او کلام دور
که از خصائص کلی و ارتباط مکررند باشد بهشت چون خور
بر ادوات عاجله از مطومات و مشروبات و مطبوبات
و مرکوبات و چون ظفر سعادات اجلا از جور و مقصور
و غلمان و ولدان زبر که همگی که تفاوت بسیار است میان
و قوف مع این سجانه و وقوف مع خطامنه و همچنین
به شمارت میان و قوف مع خطامنه و وقوف مع خط
در آیه و نهانه چه صاحب میز مرتبه را مطلقا بیان
و مقصود با حقیقه راحت دنیوی و لذات اغوی است
و حضرت حق بجان را وسیله آن ساخته و و کلام و قول
بدان شناخته و کلام بنین ازین کاشف مر که مط صلی
رابع مطالب غرضی دارند و در خصوص جعفر را طفیل معاصد
بخارند از غرض و آنچه که وفای دلبری جو است مرا

کونین بکماله موصوف مرا شرمت باور ایمان حسن و جمال
واری مطمیل و بکره دوست مرا موشخه شد در لبر سینه شام
زان بار درین ان مهندس سپاسم خوبان جهانم طفیل خوبی منند
بهیسات که من طبع کسینم لا اله الا الله معادای مرتبه اول که محبت
ذات است از قبل محبت سما و صفا و مار ضلالت و آناری
تواند بود محبت سما و صفا آن است که محبت بر آن سما
و صفا محبوب را چون افضال و انعام و انوار و اکرام بر
اضدادش رفتار و اختیار کند بی من حفظ وصول آثار انفا
بهت بدو و محبت افعالا آناری آن است که آن رفتار و
اختیار بنا بر وصول حکام و آثار انفا باشد بر و این محبت
لا یزال در صد و زوال و مومض غیر و افعال بسیار که که
محبوب با طوار حمیده و افعال پسندیده که متعلق محبت
بجای کند به یک قصد و همت خود بران اقبال نماید و در آن
او بر زد و چون بمقتضات این صفات و افعال که کلام هوا
و موافق رفتار او نباشد بجا کند چهار حیل و قوت خود را